

## «منصور جهانی» یکی از داوران مراسم جوایز معتبر «گلدن گلوب» ۲۰۲۶ در آمریکا شد



صفحه ۴



# چه خوب شد که دریاچه ارومیه خشک شد

آرشیو مکریان

صفحه ۷



## معادله دمشق، کردها و آنکارا همچنان شکننده و چندلایه است

۸

## به سوء استفاده از کودکان در تشریفات سیاسی پایان دهیم

صفحه ۸

### کاسبان رأی و استیضاح شهردار سنج

**سروش حبیبی‌راد** | شورای ششم سنج در واپسین ماه‌های عمر خود بار دیگر به همان بازی نخ نما پناه برده است، «استیضاح شهردار»؛ اقدامی که در ظاهر برای دفاع از حقوق مردم و نجات مدیریت شهری جلوه داده می‌شود، اما در باطن چیزی جز نمایشی انتخاباتی برای صیانت از صندلی‌های شورا نیست

۲

### ارازل و اوپاش به استان‌های دور تبعید شوند

پایگاه خبری «بوکان آنلاین» به‌عنوان رسانه‌ای مردمی و مستقل که همواره در کنار مطالبات عمومی و دغدغه‌های شهروندان شهرستان بوکان ایستاده، با انتشار متنی خطاب به جناب آقای علی زاهد، دادستان جهادی و محترم شهرستان بوکان، خواستار برخورد قاطع و پیشگیرانه با ارازل و اوپاش و تبعید قانونی افراد مخل امنیت اجتماعی به استان‌های دوردست کشور شد.

۳

## نیش سیاسی

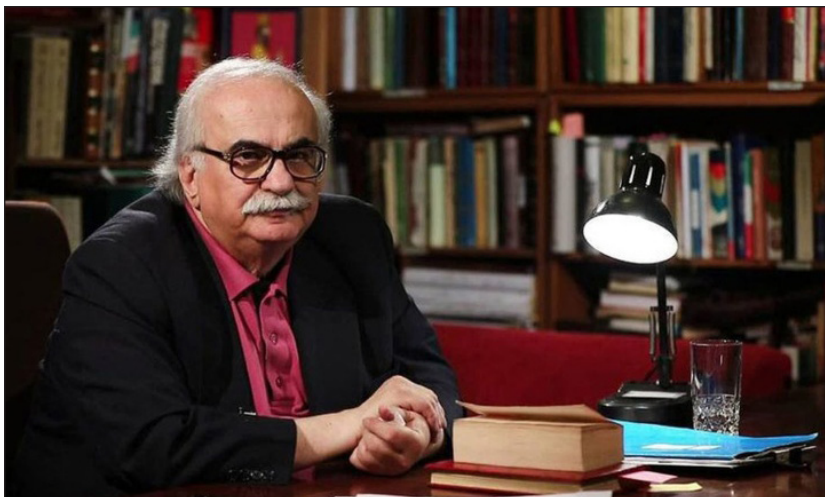
نگاه

آن‌ها که کاتولیک تر از پاپ شده اند خود را محق امورات کلی کشور می دانند که با توسل به سفسطه و جدل حتی با احتیاط از رهبری هم عبور می کنند. همگان می دانند آنانی که شعارشان از عملشان پیشی بگیرد حکم نفاق بر آنها صدق می کند ولی این سلطانان سخن در میدان عمل همیشه بازنده بوده اند اما هرگز به قفا باز نمی گردند و سر در گریبان تفکر فرو نمی برند که شأن زمان سخن و مکان محن را درک کنند. مقایسه زمان بنی صدر با پزشکیان قیاس مع الفارق است ایجاد این شبهه توسط برخی چهره های هیجانی و احساسی صاحب تریبون که سن آنان به جنگ هم نمی رسد و قیاسات نامعقول را بازتاب می دهند جفای نابخشودنی در حق ملت بزرگ و متحد ایران و حاکمیت مقتدر می‌باشد

**محمد هادیفر** | **تقریر**  
حاضر به دنبال توجیه برخی نارسایی‌های اجرایی در سطح ملی نیست اما باید دانسته شود برخی از این افراد که عمرشان به جنگ تحمیلی هشت ساله هم نمی‌رسد سخن از مقایسه وضعیت موجود با شرایط سال ۶۰ و رئیس جمهور وقت به میان آورده اند سرجمع این سخنان ناسنجیده نشان از نوعی قشری گری فکری است که روانه بازار سیاست می شود این جریان پراکنده درک صحیحی از شرایط موجود ندارند به جای پیوستن به اتحاد با شکوه ملت ایران در شرایط کنونی، بر طبل یاس و ناامیدی می کوبند این جمع که تعلق خاصی به قدرت دارند حضور سلايق مختلف را در اداره کشور بر نمی‌تابند

۵

## نگاهی انتقادی به اظهارات اخیر خسرو معتضد؛ تاریخ تکرار نمی‌شود، مگر با چشم‌های بسته



### ۴. گفتمان محافظه‌کارانه و ترس از تکه‌تکه شدن

ترس از تجزیه ایران، ریشه در خاطرات تاریخی و تجربه‌های تلخ دارد. اما استفاده از این ترس برای توجیه انسداد سیاسی یا نادیده گرفتن تنوع فرهنگی، نه تنها راه‌حل نیست، بلکه خود می‌تواند به بحران مشروعیت منجر شود. ایران متکثر، نیازمند گفت‌وگوی درونی و بازتعریف مفهوم «وحدت» است، نه بازتولید ترس‌های تاریخی

### ۵. تاریخ را بخوانیم، نه تقلید کنیم

سخنان خسرو معتضد، اگرچه حاصل هشدارهایی قابل تأمل است، اما نیازمند بازخوانی دقیق و تطبیقی با شرایط امروز است. تاریخ ابزار فهم است، نه تکرار. ایران امروز، با همه چالش‌هایش، ظرفیت‌های بی‌ظنیری برای گفت‌وگو، اصلاح و مقاومت دارد؛ به شرطی که از تاریخ بیاموزیم، نه اینکه در سایه آن بترسیم

بخش‌هایی از ایران توسط عثمانی و روسیه، تهدیدی عینی و نظامی بود. اما تهدیدات امروز بیشتر در قالب فشار اقتصادی، جنگ رسانه‌ای، و رقابت ژئوپلیتیکی در قفقاز، خلیج فارس و آسیای مرکزی رخ می‌دهد. قیاس این دو نوع تهدید، بدون توجه به تفاوت ابزارها و زمینه‌ها، منجر به تحلیل‌های سطحی و نگران‌کننده می‌شود

### ۳. خلق‌ها و هویت‌های منطقه‌ای؛ تجزیه‌طلبی یا مطالبه‌گری؟

معتضد با اشاره به «خلق فلان و خلق فلان»، جنبش‌های قومی را تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران می‌داند. اما واقعیت این است که بسیاری از مطالبات قومی در ایران امروز، در چارچوب حقوق فرهنگی، زبانی و مدنی مطرح می‌شوند. نادیده گرفتن این تفاوت، نه تنها به بی‌اعتمادی دامن می‌زند، بلکه زمینه‌ساز افراط‌گرایی و سرکوب بی‌مورد می‌شود

**یاسر بابایی** | در روزهای اخیر، خسرو معتضد، پژوهشگر تاریخ، با اظهاراتی جنجالی مدعی شد که ایران امروز در شرایطی مشابه دوران پس از صفویه، پایان ساسانیان و خوارزمشاهیان قرار دارد. او روسیه تزاری همراه بود. او هشدار داد که «هدف دشمنان، تکه‌تکه کردن ایران است» و تنها تفاوت امروز با گذشته، تغییر نام‌ها و صحنه‌هاست؛ حالا این تهدیدات با نام «خلق فلان و خلق بهمان» ظاهر می‌شوند

این یادداشت، با نگاهی تاریخی و تحلیلی، به بررسی صحت و دقت اظهارات خسرو معتضد و قیاس‌های وی از شرایط امروز با دوران‌های مختلف تاریخی می‌پردازد و تلاش می‌کند میان هشدار و اغراق، مرز روشنی ترسیم کند

### ۱. تاریخ به‌مثابه هشدار یا ابزار اغراق؟

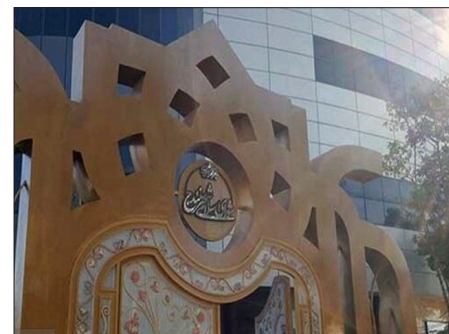
خسرو معتضد با اشاره به دوره‌های فروپاشی مانند پایان صفویه، ساسانیان و خوارزمشاهیان، تلاش دارد شرایط امروز ایران را در امتداد آن بحران‌ها تصویر کند. این نوع روایت، گرچه در ظاهر هشدارآمیز است، اما با ساده‌سازی تاریخ و نادیده گرفتن تفاوت‌های ساختاری و جهانی همراه است. ایران امروز، برخلاف آن دوره‌ها، دارای نهادهای مدرن، ارتش منظم، و ابزارهای دیپلماسی پیچیده است که مانع از تکرار آن فروپاشی‌ها می‌شود

### ۲. تهاجم خارجی: از شمشیر تا رسانه و ژئوپلیتیک

در دوره صفویه، حمله افغان‌ها و اشغال

## کاسبان رأی و استیضاح شهر دار سندج

**سروش حبیبی‌راد** | شورای ششم سندج در واپسین ماه‌های عمر خود بار دیگر به همان بازی نخ نما پناه برده است، «استیضاح شهردار»؛ اقدامی که در ظاهر برای دفاع از حقوق مردم و نجات مدیریت شهری جلوه داده می‌شود، اما در باطن چیزی جز نمایشی انتخاباتی برای صیانت از صندلی‌های شورا نیست



به گزارش مکریان، رئیس شورای شهر سندج از ۹ بند اتهامی علیه سیدانور رشیدی پرده برمی‌دارد؛ از بی‌سامانی دست‌فروشان گرفته تا پروژه‌های نیمه‌تمام و انتصابات غیرقانونی؛ اما مردم به درستی می‌پرسند: اگر این فجایع در مدیریت شهری واقعیت دارد، شورا در سه سال گذشته کجا بود؟ چرا همان موقع از ابزار قانونی خود برای توقف این وضعیت استفاده نکرد؟ حالا که صدای زنگ انتخابات شنیده می‌شود، همان سکوت کنندگان دیروز با ژست «نجات بخش» وارد میدان شده‌اند تا در حافظه افکار عمومی، تصویر قهرمانانه‌ای از خود بسازند و این همان چیزی است که باید نام واقعی‌اش را گذاشت: «کاسبی با رأی مردم»

شورای شهر سندج در طول این دوره، نه برنامه‌ای شفاف برای درآمد پایدار ارائه داد، نه نظارت مؤثری بر پروژه‌ها داشت و نه توانست از حقوق کارگران شهرداری دفاع کند؛ اما درست در سال آخر، وقتی اعتبار اجتماعی‌شان ته کشیده، یکباره به افشاگر تبدیل می‌شوند. این تغییر ناگهانی نه ناشی از دغدغه شهر که ناشی از ترس از قضاوت مردم در انتخابات پیش رو است. استیضاح شهردار در حالی که شورا خود در وقت اضافه سر کار است چه معنایی دارد؟ هیچ پروژه‌ای با تغییر مدیر در این فرصت کوتاه تکمیل نخواهد شد، هیچ ساخت و ساز غیرمجازی یک شبه متوقف نمی‌شود و هیچ تحول ملموسی نصیب مردم نخواهد شد و تنها چیزی که نصیب سندجی‌ها می‌شود، یک نمایش پر سروصدا برای بزرگ کردن چهره‌های فرسوده شورا است. هر چند شهردار سندج کارنامه موفقی ارائه نکرده است اما واقعیت تلخ این است که شورا و شهردار هر دو در ناکارآمدی شریک هستند؛ اگر شهردار «بی‌عملی» کرد، شورا «بی‌تفاوتی» کرد؛ اگر مدیریت شهری در سکون فرو رفت، اعضای شورا نیز با چشم بستن بر خطاها، خود بخشی از این رکود بودند؛ حالا اما همان‌ها با بازی کردن نقش شاک، می‌خواهند بار دیگر از جیب مردم رأی بخرند

شهروندان سندج باید بدانند استیضاح این روزها نه برای احیای شهر، که برای احیای کرسی‌های انتخاباتی است و کاسبان رأی، در بزنگاه‌ها همیشه زبانشان باز می‌شود؛ نه برای مردم، بلکه برای ماندن در قدرت. شاید وقت آن رسیده که مردم در انتخابات آینده، این بار خود شورای شهر را استیضاح کنند؛ استیضاحی واقعی، در صندوق‌های رأی

## بهاء الدین ادب، مهندسی که دغدغه‌اش توسعه متوازن کردستان بود

این واقعه برای ادب پایان سیاست نبود، بلکه آغاز فصلی تازه بود. او در فعالیت‌های سیاسی اش با صراحت بر حقوق مدنی، مشارکت سیاسی و توسعه پایدار در مناطق کردنشین تأکید داشت. این موضع، بهاء الدین ادب را در جایگاهی منحصر قرار داد: سیاستمداری که میان هویت قومی و وفاداری ملی، تعادلی آگاهانه برقرار کرد.

فراتر از سیاست، ادب در حوزه اقتصاد نوین ایران نقشی کلیدی ایفا کرد. او از مؤسسان بانک کارآفرین بود و سال‌ها در هیئت‌مدیره بانک و بیمه کارآفرین فعالیت داشت. همچنین ریاست انجمن شرکت‌های ساختمانی ایران و حضور در اتاق بازرگانی و تشکل‌های صنعتی، جایگاه او را در اقتصاد کشور تثبیت کرد.

در کنار همه این‌ها، به ورزش نیز توجه داشت؛ به عنوان نایب‌رئیس فدراسیون بسکتبال ایران و حامی تیم‌های محلی سندج، نسل جوان را به ورزش و فعالیت جمعی ترغیب می‌کرد. در سال‌های پایانی عمر، بیماری سرطان به جانش افتاد.

منطقه امکان داد محصولشان را بهتر نگهداری و عرضه کنند. با شروع دهه هفتاد خورشیدی، ادب پا به عرصه‌ای تازه گذاشت: سیاست. در انتخابات مجلس پنجم، مردم حوزه انتخابیه سندج، کامیاران و دیواندره او را به نمایندگی برگزیدند و در مجلس ششم نیز این اعتماد تکرار شد. در پارلمان، عضو فعال کمیسیون عمران بود و نگاه فنی خود را به عرصه قانون‌گذاری آورد.

اما نقش او فراتر از یک مهندس-نماینده بود. بهاء الدین ادب به زبان سیاستمداران مرکز نشین سخن می‌گفت، اما دغدغه او توسعه متوازن و رفع محرومیت‌های کردستان بود. در فضایی که سیاست قومی اغلب با سوءظن نگرسته می‌شد، او توانست با شیوه‌ای آرام، استدلالی و به دور از تنش، مطالبات مردم را در ساختار رسمی کشور مطرح کند. همین منش سبب شد که بسیاری او را نمونه‌ای از «نماینده اخلاق‌مدار» بدانند.

سال ۱۳۸۲، هنگام نام‌نویسی برای مجلس هفتم، شورای نگهبان صلاحیت او را رد کرد.

به‌الدین ادب، مهندسی از دل کردستان بود که مسیر زندگی‌اش میان سه میدان اصلی رقم خورد: عمران و سازندگی، سیاست و پارلمان، اقتصاد و توسعه مدنی.

تحصیلات عالی خود را در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران (امیرکبیر) در رشته مهندسی راه و ساختمان گذراند. از همان ابتدا نشانه‌های شخصیت او روشن بود: دقت مهندسی، پایبندی به نظم، و حساسیت به کیفیت. پس از بازگشت از خدمت سربازی، نخستین شرکت عمرانی‌اش، «رواق»، را تأسیس کرد و خیلی زود در شهر زادگاهش سندج، پروژه‌هایی ماندگار بر جای گذاشت.

نمونه برجسته آن، پروژه مسکونی ۳۰۰ دستگاه است؛ آپارتمان‌هایی که در میانه دهه پنجاه ساخته شد و هنوز هم در سندج با نام «آپارتمان‌های ادب» شناخته می‌شود. این پروژه صرفاً یک ساختمان نبود، بلکه نشانه‌ای از ورود طبقه متوسط به زندگی شهری مدرن بود. تأسیس سردخانه سندج نیز از دیگر اقدامات او بود که به کشاورزان و دامداران

## قانون

## نیشِ سیاسی

## ارازل و اوباش به استان‌های دور تبعید شوند

پایگاه خبری «بوکان آنلاین» به‌عنوان رسانه‌های مردمی و مستقل که همواره در کنار مطالبات عمومی و دغدغه‌های شهروندان شهرستان بوکان ایستاده، با انتشار متنی خطاب به جناب آقای علی زاهد، دادستان جهادی و محترم شهرستان بوکان، خواستار برخورد قاطع و پیشگیرانه با ارازل



و اوباش و تبعید قانونی افراد مخل امنیت اجتماعی به استان‌های دوردست کشور شد.

در این متن که برگرفته از نظرات و مطالبات بخش‌های مختلف جامعه، فعالان اجتماعی، فرهنگی و ساکنان محلات شهرستان است، تأکید شده است که طی ماه‌های اخیر، موارد متعددی از ایجاد رعب و وحشت، زورگیری، مزاحمت برای مردم و ناهنجاری‌های آشکار اجتماعی از سوی برخی افراد سابقه‌دار و قانون‌گریز گزارش شده که ادامه این روند، آرامش عمومی شهر را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

«بوکان آنلاین» در این متن با اشاره به اقدامات مؤثر دادستانی در گذشته، آورده است: بی‌شک حافظه مردم شریف بوکان فراموش نکرده که در سال‌های گذشته، تبعید قانونی و هدفمند ارازل و اوباش به دیگر استان‌ها، موجب ایجاد حس امنیت عمومی و کاهش محسوس جرائم شد. اکنون، با توجه به وضعیت موجود، انتظار می‌رود چنین سیاستی مجدداً و با قوت اجرا گردد.

در این متن، پایگاه خبری بوکان آنلاین ضمن تقدیر از تلاش‌های دستگاه قضایی شهرستان، موارد زیر را به‌عنوان خواسته‌های اصلی مردم مطرح کرده است

▣ شناسایی سریع و دقیق افراد خطرآفرین و سابقه‌دار در سطح شهرستان

▣ صدور احکام تبعید به‌عنوان اقدام بازدارنده و قانونی در چارچوب اختیارات دادستانی

▣ همکاری با نیروهای انتظامی برای جلوگیری از بازگشت افراد تبعیدشده

▣ اطلاع‌رسانی شفاف به مردم در خصوص اقدامات قضایی انجام‌شده برای افزایش اعتماد عمومی

پایگاه خبری بوکان آنلاین، به نمایندگی از صدای مردم، بار دیگر حمایت خود را از اقدامات قاطع، شفاف و بی‌ملاحظه دستگاه قضایی در مقابله با برهم‌زنندگان نظم و امنیت عمومی اعلام می‌دارد و آمادگی دارد همچون گذشته، پل ارتباطی بین مردم، مسئولان و عدالت‌خواهان باشد



را ایفا می‌کنند. انتصابات جدید در سطح ملی توسط رهبر معظم انقلاب حاکی از نوعی دور اندیشی و ملی‌نگری به مدیریت کلان کشور دارد که به مزاق مردان ناراضی هم خوش نمی‌آید در حالیکه دوست و دشمن خارج از کشور ذکاوت ایرانی‌ها و هوشمندی رهبرشان را می‌ستایند و رمز موفقیت در جنگ تحمیلی اخیر را همین تصمیم به موقع با چهره‌های متنوع و سرمایه‌های نهفته کشور می‌دانند

چیزی که این کودکان سیاسی و ماجراجویان احساسی آن را درک نمی‌کنند و خود را انقدر محق می‌دانند که محترمانه رهبری را هم کنار می‌گذارند

با نگاهی پدیدارشناسانه به منتقدین داخلی دو جبهه می‌توان قوت و ضعف‌ها را رصد کرد شکاف و اختلاف و انتقاد در جبهه کفر و ظلم چه حسی بما می‌دهد مطمئن باشید این نگاه رادیکالی به شرایط موجود و سخنان ناسنجیده و نابخردانه برخی افراد حقیقی و حقوقی موجب همین حس متقابل در اردوی دشمن می‌شود

کاش یک بار هم که شده این قشر همیشه ناراضی با جریان عظیم ملی و تدابیر رهبری همسویی کنند و بدانند که اقتدار ایران تنها در سایه نقادی‌های آنان به وجود نیامده بلکه به یمن و همت خرد ملی با تصمیمات به جا و اصولی به دست آمده است

در گریبان تفکر فرو نمی‌برند که شأن زمان سخن و مکان محن را درک کنند. مقایسه زمان بنی صدر با پزشک‌های قیاس مع الفارق است ایجاد این شبهه توسط برخی چهره‌های هیجانی و احساسی صاحب تریبون که سن آنان به جنگ هم نمی‌رسد و قیاسات نامعقول را بازتاب می‌دهند جفای نابخشوندی در حق ملت بزرگ و متحد ایران و حاکمیت مقتدر می‌باشد

آنانی که بنی صدر را درک کرده‌اند می‌دانند که در زمان جنگ با اکراه یک بار لباس خاکی برای یادگاری برتن کرد در حالی که رئیس‌جمهور فعلی و دیگر روسای قوا و مدیران متعهد و حتی مغضوب و منزوی لباس روز نبرد برتن کردند و همپای ایران ایستادند

اظهارات به موقع برخی از مغضوبین در اردوی دشمن تاثیرات زیادی گذاشت چون دشمن انتظار داشت با این حمله فضای ۱۴۰۱ در کشور حاکم شود و آنان اسب خود را بر پیکر تکه پاره شده ایران بتازند ولی همین اراده‌های پراکنده کشور را متحد کرد.

برخی سخنان و رفتارهای قابل نقد رئیس‌جمهور فعلی سهویست و گرنه در صداقت رفتاری او نمی‌توان تردید کرد. کاملاً واضح است که رفتارهای رادیکالی بعضی جریان‌ها و افراد حقیقی و حقوقی امری مستمر است و حیات سیاسی آنان بستگی به نگاه انتقادی مستمرشان به وضعیت موجود است حتی زمانی هم که بر اریکه قدرت هستند با نگاه خلوص‌گرایی خود همان نقش انتقادی

اخیراً و چه بسا پس از همان روز پایان جنگ تحمیلی رژیم صهیونی علیه ملت ایران ززمه‌های نیش‌دار برخی جریان‌های سیاسی از تریبون برخی افراد حقوقی و حقیقی نسبت به دولت مستقر مبنی بر ناکارآمدی و ناهمراهی با شرایط موجود بیرون آمد.

**محمد هادیفر** | تقریر حاضر به دنبال توجیه برخی نارسایی‌های اجرایی در سطح ملی نیست اما باید دانسته شود برخی از این افراد که عمرشان به جنگ تحمیلی هشت ساله هم نمی‌رسد سخن از مقایسه وضعیت موجود با شرایط سال ۶۰ و رئیس‌جمهور وقت به میان آورده‌اند سرجمع این سخنان ناسنجیده نشان از نوعی قشری‌گری فکری است که روانه بازار سیاست می‌شود

این جریان پراکنده درک صحیحی از شرایط موجود ندارند به جای پیوستن به اتحاد با شکوه ملت ایران در شرایط کنونی، بر طبل یاس و ناامیدی می‌کوبند این جمع که تعلق خاصی به قدرت دارند حضور سلاقی مختلف را در اداره کشور بر نمی‌تابند

آنها که کاتولیک‌تر از پاپ شده‌اند خود را محق امورات کلی کشور می‌دانند که با توسل به سفسطه و جدل حتی با احتیاط از رهبری هم عبور می‌کنند. همگان می‌دانند آنانی که شعارشان از عملشان پیشی بگیرد حکم نفاق بر آنها صدق می‌کند ولی این سلطانان سخن در میدان عمل همیشه بازنده بوده‌اند اما هرگز به قفا باز نمی‌گردند و سر

# «منصور جهانی» یکی از داوران مراسم جوایز معتبر «گلدن گلوب» ۲۰۲۶ در آمریکا شد



استاد «مظفر کامگار» نوازنده کلارینت هم‌دوره استاد «حسن زیرک» درگذشت

**منوچهر جهانی |** استاد «مظفر کامگار» پیشکسوت موسیقی کوردی که هم‌دوره و نوازنده برخی از آثار هنرمند نامدار کورد استاد «حسن زیرک» بود، پس از طی یک دوره بیماری روز پنج‌شنبه در شهر سنندج درگذشت.



هنرمند آهنگساز خلاق و نوازنده برجسته کلارینت استاد «مظفر کامگار» که از عاشقان و شیفتگان استاد «سیدعلی اصغر کوردستانی»، استاد «حسن زیرک» و استاد «مظفر خالقی» بود، از همان ابتدای شروع به فعالیت در عرصه موسیقی، در آرزوی دیدار با اسطوره بزرگ موسیقی و هنرمند خواننده بی‌همتا استاد «حسن زیرک» بود که خوشبختانه پس از مدتی به این آرزویش رسید.

استاد «حسن زیرک» در سال ۱۳۴۸ در سالن ویلاپارک شهر سنندج یک کنسرت مشترک با هنرمندان سنندجی برگزار کرد. خواننده سرشناس موسیقی کوردی استاد «حسن زیرک» در این اجرای زنده، ترانه‌ها و گورانی‌های گه‌وه‌رئ، ده‌ستمال حه‌ریری سووره (با وای) و چندین مقام را با نوازندگی کلارینت «مظفر کامگار» به زیبایی اجرا نمود که مورد استقبال گسترده مردم هنردوست این شهر قرار گرفت.

استاد «مظفر کامگار» سال ۱۳۲۲ در محله چهارباغ شهر سنندج دیده به جهان گشود. او که بیش از پنجاه سال به موسیقی و گورانی کوردی خدمت کرد، سال ۱۳۴۰ در سن ۱۸ سالگی نزد هنرمندان و اساتید هم‌شهری خودش برادران «حسن و حسین یوسف‌زمانی» شروع به فراگیری تخصصی نوازندگی ساز کلارینت (قره‌نای) کرد.

او سال‌های متعددی در شهرهای تهران، کرمانشاه، سنندج، مهاباد، اصفهان و... مشغول به هنرنمایی در عرصه موسیقی بوده و در این مدت با هنرمندان کورد و فارس همکاری کرد، از جمله استادان: حسن زیرک، حسین شریفی، فتانه ولیدی، حکمت‌اله نوبری، بهاء‌الدین نوروزی، ایرج عنصلیبی، هوشنگ شگرف، عباس کمندی و علی زندی.

استاد «مظفر کامگار» که به اجرای مقام به ویژه دستگاه‌های سه‌گاه و شور (مایه افشاری) بسیار علاقه‌مند بود، توانست با آهنگسازی بیش از ۶۵ تصنیف و ترانه به گنجینه ارزشمند موسیقی و گورانی کوردی خدمتی شایسته و ماندگار داشته باشد.

این استاد فرهیخته و نوازنده و آهنگساز محبوب عرصه موسیقی که افسر بازنشسته ارتش بود، در سال‌های اخیر به بستری بیماری افتاد و با مرور خاطرات زیبا و خوش گذشته از دوران طلایی نوازندگی کلارینت و همکاری ارزشمند با خوانندگان و اساتید برجسته موسیقی روزگار می‌گذراند.

مجموعه رسانه‌ای مکریان، این ضایعه غمناک و تأسف‌بار را به خانواده گرمی و مکرم آن مرحوم به ویژه همسر مهربان و فداکار ایشان و فرزندان دلبندش و جامعه بزرگ موسیقی و هنرمندان عزیز تسلیت می‌گوید. یادش گرمی و نام و هنرش مانا.

**مکریان |** «منصور جهانی» خبرنگار مستقل و بین‌المللی سینما به دعوت رسمی «تیم گری» Tim Gray معاون اجرایی رئیس جوایز «گلدن گلوب» به عنوان یکی از اعضای داوران هشتادوسومین مراسم جوایز «گلدن گلوب» ۲۰۲۶ در آمریکا انتخاب شد.

منصور جهانی خبرنگار مستقل و بین‌المللی سینما که پیش از این، در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ در نظرسنجی منتقدان جشنواره بین‌المللی فیلم «کن»، داور مجله معتبر و تخصصی سینمایی «ایندی‌وایر» IndieWire آمریکا در این رویداد معتبر سینمای جهان بود، به دعوت رسمی «تیم گری» Tim Gray معاون اجرایی رئیس جوایز «گلدن گلوب» و از روزنامه‌نگاران باسابقه سینمای دنیا و سردبیر سابق مجله معتبر سینمایی «ورایتی» Variety در مراسم سینمایی و تلویزیونی هشتادوسومین دوره جوایز «گلدن گلوب» Golden Globe Awards که یکی از معتبرترین رویدادهای اهدای جوایز فیلم و تلویزیون در آمریکا به شمار می‌رود، به عنوان داور و رأی‌دهنده از کشور ایران، حضور دارد.

رأی‌دهندگان گلدن گلوب شامل روزنامه‌نگاران باتجربه حوزه سینما و تلویزیون از سراسر جهان هستند که در طول سال فعال بوده و در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی فیلم شرکت می‌کنند؛ پس از بررسی دقیق و ارزیابی نهایی در ترکیب هیات داوران این رویداد معتبر هنری حضور دارند و آخرین روندهای صنعت سرگرمی را برای علاقه‌مندان گزارش می‌کنند.

گلدن گلوب در میان جوایزی که به تجلیل از آثار و هنرمندان حوزه‌های مختلف سینما، تلویزیون و برنامه‌های پادکست می‌پردازند، جایگاه ویژه‌ای در سطح جهان دارد. هشتادوسومین دوره این مراسم، قرار

است در ماه ژانویه سال ۲۰۲۶ در هتل «بورلی هیلتون» در شهر لس آنجلس در کشور آمریکا برگزار شود.

«منصور جهانی» دانش‌آموخته رشته کارشناسی خبرنگاری با گرایش «فرهنگ و هنر» از دانشکده «خبر» وابسته به خبرگزاری ایرنا، فارغ‌التحصیل دوره آموزش عالی «مطالعات فیلم: نظریه، نقد و تحلیل» در مدرسه ملی سینمای ایران در سال ۲۰۱۸ زیر نظر اساتیدی از مدرسان و با حضور صاحب‌نظران زنده بین‌المللی از حوزه‌های مختلف سینمایی و مطالعات میان‌رشته‌ای همچون: «جاناتان زرنام» Jonathan Rosenbaum، «جان ميشل فرودون» Jean Michel FRODON، دکتر «انیس دوویکتور» Agnès Devictor، دکتر «ژاک لویی کرمبون» Jacques Kermabon، دکتر «ماریون زلیبو» Marion Zilio، دکتر «آنخل کوانیتانا» Angel Quintana و منتقدان و اساتید مطرح ایرانی است.

منصور جهانی عضو فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ) در کشور بلژیک، عضو پیوسته انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، عضو انجمن نویسندگان، خبرنگاران و عکاسان ورزشی ایران (ISJA)، عضو انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران ورزشی (AIPS) در کشور سوئیس، عضو انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران، عضو انجمن صنفی سراسری منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر ایران، عضو پیوسته انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اقلیم کردستان عراق، عضو کانون طراحان و مدیران تبلیغات سینمای ایران و عضو کانون پژوهشگران خانه موسیقی ایران بوده و دریافت جایزه روزنامه‌نگاری انجمن هنرهای زیبای «یوتوبوری» Goteborg در کشور سوئد را در کارنامه خبری و هنری

خود دارد. اخبار و گزارش‌های سینمایی این روزنامه‌نگار از سینماگران ایرانی و جشنواره‌های مهم سینمایی به زبان‌های انگلیسی، فارسی، فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی، ترکی، عربی و کردی در خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و رسانه‌های معتبر جهان از جمله: خبرگزاری «فرانس پرس» AFP، خبرگزاری «آسوشیتدپرس» AP، «رویترز» Reuters، مجله «ورایتی» Variety، مجله «هالیوود ریپورتر» The Hollywood Reporter، سایت «ددلاین» Deadline، مجله «اسکرین دیلی» Screen Daily، سایت «ان‌دی‌وایر» IndieWire، خبرگزاری جهانی BBC، خبرگزاری «یورونیوز» Euro News، تلویزیون France ۲۴، روزنامه «لوموند» Le Monde، تلویزیون CNN، روزنامه «لیبراسیون» Libération، تلویزیون Fox News، روزنامه «گاردین» The Guardian، تلویزیون ABC News، روزنامه «اشینگل» Spiegel، خبرگزاری «انس» ANSA، ایتالیایی، روزنامه «فیکارو» Le Figaro، خبرگزاری «افه» EFE اسپانیا، روزنامه «نیویورک تایمز» The New York Times، روزنامه «واشینگتن پست» The Washington Post، روزنامه «النهار» لبنان و ... منتشر شده است.

جهانی در طول ۱۵ سال گذشته از جشنواره‌های بین‌المللی فیلم کن، برلین، ونیز، سن سباستین، کارلووی‌واری، لوکارنو، گوتبورگ، تسالونیک، زوریخ، پوسان، ایدفا، ساندنس، ترابیکا، مونترال، تورنتو، هات داکس، بیگ اسکای، ابوظبی و صدها جشنواره و رویداد سینمایی دیگر؛ برای رسانه‌های ایران، اقلیم کردستان، خاورمیانه و کشورهای مختلف جهان، اخبار، نقد و گزارش‌های سینمایی تهیه کرده است.

# برگزیدگان هفتاد و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» در سوئیس معرفی شدند

## برندگان بخش رقابتی «فیلم‌های اول»

اعضای هیأت داوران بخش رقابتی «فیلم‌های اول» در هفتاد و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» که عبارت بودند از: «جیمز هاوکینسون» James Hawkinson مدیرفیلمبرداری از کشور آمریکا، خانم «جودیت لولوی» Judith Lou Lévy تهیه‌کننده از کشور فرانسه و همچنین خانم «پاتریشیا مازوی» Patricia Mazuy کارگردان از کشور فرانسه؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند

## جایزه بهترین «فیلم اول کارگردان»

جایزه بهترین «فیلم اول کارگردان» در این بخش به فیلم سینمایی «به سوی لانه مار» Mare's Nest به کارگردانی «بن ریورز» Ben Rivers محصول مشترک کشورهای انگلستان، فرانسه و کانادا اهدا شد

## برندگان بخش رقابتی «پارودورده»

اعضای هیأت داوران بخش رقابتی «پارودورده» Pardo Verde با موضوع بحران آب و هوا، که عبارت بودند از: «مایکل آلمریدا» Michael Almereyda کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده از کشور آمریکا، خانم «مارتینا پارتینی» Martina Parenti کارگردان از کشور ایتالیا و همچنین خانم «ستا تاکور» Seta Thakur رئیس ارتباطات و نوآوری اجتماعی آکادمی طبیعت «ویس» از کشور سوئیس؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند

## «پارودورده»

جایزه «پارودورده» به فیلم سینمایی «به سوی لانه مار» Blue Heron به کارگردانی خانم «سوفی رومواری» Sophy Romvari از کشورهای کانادا و مجارستان اهدا شد

## تقدیر هیأت داوران

فیلم سینمایی «مو، کاغذ، آب ... Hair, Paper, Water...» به کارگردانی مشترک «نیکلاس گروکس» Nicolas Graux و «ترانگ مین کوئی» Minh Quy Truong محصول مشترک کشورهای بلژیک، فرانسه و ویتنام و همچنین فیلم سینمایی «جنج‌های رو به جنوب» A South Facing Window به کارگردانی «لخاگوادولام پورف-اوچیر» Lkhagvadulam Purev-Ochir از کشورهای فرانسه و مغولستان مورد تقدیر هیأت داوران قرار گرفتند

هفتاد و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» به ریاست خانم «ماجا هوفمن» Maja Hoffmann، به مدیریت هنری «جیونا نازارو» Giona A. Nazzaro و با نمایش بیش از ۲۰۰ فیلم از کارگردانان کشورهای مختلف جهان، در چندین بخش مختلف رقابتی و غیررقابتی از روزهای ۱۴ تا ۲۵ مرداد ماه ۱۴۰۴ (۵ تا ۱۵ آگوست ۲۰۲۵) در شهر لوکارنو در کشور سوئیس برگزار شد

برای بازی در فیلم «جلوی خورشید را بگیر» Don't Let the Sun See You Cry به کارگردانی «ژاکلین زوند» Jacqueline Zünd محصول مشترک کشورهای سوئیس و ایتالیا مورد تقدیر ویژه هیأت داوران قرار گرفت

برندگان بخش رقابتی «یوزپلنگ‌های فردا» اعضای هیأت داوران بخش رقابتی «یوزپلنگ‌های فردا» Pardi di domani در این دوره از جشنواره که عبارت بودند از: خانم «جیهان الطهری» Jihan El Tahri فیلمساز، تهیه‌کننده و هنرمند تجسمی از کشورهای مصر و فرانسه، «لموهانگ موسی» Lemohang Mosese فیلمساز و هنرمند تجسمی از کشور لسوتو و همچنین خانم «سارا سرائیو» Sara Serraiocco بازیگر از کشور ایتالیا؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند

## جایزه «یوزپلنگ طلایی»

فیلم کوتاه «به سمت گردنی بسیار صاف» A Very Straight Neck به کارگردانی «نئو سورا» Neo Sora محصول مشترک کشورهای ژاپن و چین؛ جایزه «یوزپلنگ طلایی» Pardo d'Oro بهترین فیلم کوتاه مؤلف این بخش از جشنواره را تصاحب کرد

## بهترین فیلم کوتاه بین‌الملل

فیلم کوتاه «کفتار» Hyena به کارگردانی «آلتای اولان یانگ» Altay Ulan Yang از کشور آمریکا؛ جایزه «یوزپلنگ طلایی» Pardo d'Oro بهترین فیلم کوتاه بین‌الملل در بخش رقابتی «یوزپلنگ‌های فردا» را گرفت

## جایزه Pardino d'Argento

فیلم کوتاه «هنوز در حال پخش» Still Playing به کارگردانی «محمد مصباح» Mohamed Mesbah از کشور فرانسه، جایزه Pardino d'Argento در بخش بین‌الملل را گرفت

## جایزه بهترین کارگردانی

جایزه بهترین کارگردانی این بخش از جشنواره به فیلم کوتاه «آموزش ابتدایی» Primera enseñanza به کارگردانی مشترک «آریا سانچز» Aria Sánchez و «مارینا میرا» Marina Meira محصول مشترک کشورهای کوبا، اسپانیا و برزیل اهدا شد

## جایزه بهترین فیلم کوتاه

همچنین فیلم کوتاه «کور در چشم» Blind, ins Auge به کارگردانی مشترک «عاطفه خیرآبادی» و «مهرداد سپه‌نیا» و محصول مشترک کشورهای ایران و آلمان، جایزه بهترین فیلم کوتاه بخش «یوزپلنگ فردا» را از آن خود کرد

## جایزه حمایت رسانه‌ای AG برای فیلم کوتاه ایرانی «فرم»

جایزه حمایت رسانه‌ای Medien Patent Verwaltung AG به فیلم کوتاه «زور، زمان، جابجایی» Force Times Displacement به نویسندگی و کارگردانی «آنجل وو» Angel WU از کشور تایوان تعلق گرفت

Martelli و خانم «آنا ماریا وسلچیچ» Ana Marija Veseljić بازیگران فیلم سینمایی «خدا کمک نخواهد کرد» God Will Not Help به کارگردانی «هانا جوشیچ» Hana Jušič محصول مشترک کشورهای کرواسی، ایتالیا، رومانی، یونان، فرانسه و اسلواونی اهدا شد

همچنین خانم «ماریا ایمرو» Marya Imbro و «میکائیل سنکوف» Mikhail Senkov برای بازی در فیلم سینمایی «حلزون سفید» White Snail محصول مشترک کشورهای آلمان و اتریش، جایزه بهترین بازیگری را دریافت کردند

## تقدیر ویژه هیأت داوران

فیلم سینمایی «برگ خشک» Dry Leaf به کارگردانی «الکساندر کوبریدزه» Alexandre Koberidze مشترک کشورهای آلمان و گرجستان، مورد تقدیر ویژه هیأت داوران قرار گرفت

## برندگان بخش رقابتی «فیلمسازان حال حاضر»

اعضای هیأت داوران بخش رقابتی «فیلمسازان حال حاضر» که عبارت بودند از: خانم «اسمره ابیگیل» Asmara Abigail بازیگر از کشور اندونزی - رئیس هیأت داوران، خانم «لا فرانسیس هوی» La Frances Hui متصدی فیلم در MoMA و رئیس مشترک کارگردانان جدید/فیلم‌های جدید از کشور آمریکا و همچنین خانم «کانی کوسرتی» Kani Kusrti بازیگر از کشور هندوستان؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند

## جایزه «یوزپلنگ طلایی»

فیلم سینمایی «مو، کاغذ، آب ... Hair, Paper, Water...» به کارگردانی مشترک «نیکلاس گروکس» Nicolas Graux و «ترانگ مین کوئی» Minh Quy Truong محصول مشترک کشورهای بلژیک، فرانسه و ویتنام؛ جایزه بزرگ «یوزپلنگ طلایی» Pardo d'Oro بهترین فیلم این بخش از جشنواره را تصاحب کرد

## جایزه بهترین کارگردانی نوظهور

جایزه بهترین کارگردانی نوظهور این دوره از جشنواره، به خانم «سیسیلیا کانگ» Cecilia Kang برای کارگردانی فیلم سینمایی «پسر بزرگتر» (Elder Son Hijo mayor) محصول مشترک کشورهای آرژانتین و فرانسه اهدا شد

## جایزه ویژه هیأت داوران

جایزه ویژه هیأت داوران نیز به فیلم سینمایی «حلزون سفید» White Snail به کارگردانی مشترک خانم «السا کرمسر» Elsa Kremser و «لوین پیترو» Levin Peter محصول مشترک کشورهای آلمان و اتریش اهدا شد

## جایزه بهترین بازیگری

همچنین جایزه بهترین بازیگری در این بخش به خانم «آرورا کواتروچی» Aurora Quattrocchi برای بازی در فیلم سینمایی «عزیزم» Gioia mia به کارگردانی «مارگریتا اسپامپیناتو» Margherita Spampinato از کشور ایتالیا اهدا شد

## تقدیر ویژه هیأت داوران

«لوان گلباخانی» Levan Gelbakhiani

منصور جهانی | برگزیدگان بخش‌های مختلف رقابتی هفتاد و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» معرفی شدند و «دو فصل، دو غریبه» به کارگردانی «شو میاکه» از ژاپن، جایزه «یوزپلنگ طلایی» بهترین فیلم را گرفت

مراسم اختتامیه هفتاد و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» Locarno، شنبه ۲۵ مرداد ماه جاری (۱۶ آگوست ۲۰۲۵) در شهر لوکارنو در کشور سوئیس برگزار شد و برندگان بخش مسابقه اصلی بین‌الملل، بخش رقابتی «فیلمسازان حال حاضر»، بخش رقابتی «Letterboxd» «پیازا گراند»، بخش رقابتی «یوزپلنگ‌های فردا»، بخش رقابتی «Concorso Corti d'Autore»، بخش رقابتی «Fuori Concorso» و «هفته منتقدان» معرفی شدند و جایزه «یوزپلنگ طلایی» Pardo d'Oro بهترین فیلم، جایزه ویژه هیأت داوران، جایزه بهترین کارگردانی، جوایز بهترین بازیگران و دیگر جوایز این رویداد معتبر و درجه یک سینمای جهان به آنان اهدا شد

## برندگان بخش رقابتی اصلی بین‌الملل

اعضای هیأت داوران بخش رقابتی اصلی بین‌الملل در هفتاد و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «لوکارنو» که عبارتند بودند از: «ریتی پان» Rithy Panh کارگردان و فیلمنامه‌نویس از کشور کامبوج - رئیس هیأت داوران، خانم «جاسلین بارنز» Joslyn Barnes تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس از کشور آمریکا، خانم «اورسینا لاردی» Ursina Lardi بازیگر از کشور سوئیس، «کارلوس ریگاداس» Carlos Reygadas کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده از کشور مکزیک و همچنین خانم «زنه سوتندیک» Renée Soutendijk بازیگر از کشور هلند؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند

## جایزه «یوزپلنگ طلایی»

فیلم سینمایی «دو فصل، دو غریبه» Two Seasons, Two Strangers به کارگردانی «شو میاکه» Sho Miyake از کشور ژاپن، جایزه بزرگ «یوزپلنگ طلایی» Pardo d'Oro بهترین فیلم این رویداد معتبر و درجه یک سینما جهان را از آن خود کرد

## جایزه ویژه هیأت داوران

جایزه ویژه هیأت داوران نیز به فیلم سینمایی «حلزون سفید» White Snail به کارگردانی مشترک خانم «السا کرمسر» Elsa Kremser و «لوین پیترو» Levin Peter محصول مشترک کشورهای آلمان و اتریش اهدا شد

## جایزه بهترین کارگردانی

جایزه بهترین کارگردانی این دوره از جشنواره به «عباس فاضل» Abbas Fahdel برای کارگردانی فیلم سینمایی «قصه‌های سرزمین زخمی» Tales of the Wounded Land از کشور لبنان تعلق گرفت

## جایزه بهترین بازیگری

جایزه بهترین بازیگری در این بخش به خانم‌ها «مانوئلا مارتلی» Manuela

# برندگان بخش‌های مختلف رقابتی هشتاد و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» معرفی شدند

اعضای هیأت داوران بخش مسابقه «فیلم‌های اول» در هشتاد و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» که عبارت بودند از: خانم «شارلوت ولز» فیلمساز از کشور اسکاتلند - رئیس هیأت داوران، خانم «اریژ سپهری» کارگردان و تهیه‌کننده فرانسوی - تونسوی و همچنین «سیلیو سولدینی» کارگردان و فیلمنامه‌نویس از کشور ایتالیا؛ جایزه ونیز «لوئیجی دی لورنتیس» را به فیلم سینمایی «تایستان کوتاه» به کارگردانی «نستیا کورکیا» محصول مشترک کشورهای آلمان، فرانسه و صربستان اهدا کردند. این جایزه به همراه جایزه نقدی ۱۰ هزار دلاری به طور مساوی به کارگردان و تهیه‌کننده فیلم تعلق می‌گیرد.

## جایزه تماشاگران

فیلم سینمایی «خیابان مالاگا» به کارگردانی «مریم توزانی» محصول مشترک کشورهای مراکش، فرانسه، اسپانیا، آلمان و بلژیک، جایزه تماشاگران را از آن خود کرد.

## جایزه بخش «فیلم‌های کلاسیک»

اعضای هیأت داوران بخش «فیلم‌های کلاسیک» ونیز به ریاست «توماسو سانتامبروجیو» و متشکل از ۲۳ دانشجوی سینما که از بین اساتید برنامه‌های سینمای دانشگاه ایتالیا انتخاب شده‌اند، جایزه خود را بدین شرح اهدا کردند:

## جایزه بهترین فیلم مستند

جایزه «ونیز کلاسیک» برای بهترین فیلم مستند در سینما به فیلم مستند «ماتا هاری» به کارگردانی «جو بشنکوفسکی» و «جیمز ای. اسمیت» محصول کشور آمریکا تعلق گرفت.

## جایزه بهترین فیلم مرمت‌شده

جایزه «ونیز کلاسیک» برای بهترین فیلم مرمت‌شده به فیلم سینمایی «باشو غریبه کوچک» به کارگردانی «بهرام بیضایی» محصول سال ۱۹۸۵ کشور ایران رسید.

## برندگان بخش مسابقه «همه جانبه»

هیأت داوران بخش مسابقه «همه جانبه» به ریاست «الیزا مک‌نیت» و متشکل از «گوئنل فرانسوا» و «بوریس لابه» پس از مشاهده ۳۰ پروژه حاضر در این بخش، جایزه خود را بدین شرح اهدا کردند:

## جایزه بزرگ

جایزه بزرگ بخش مسابقه «همه جانبه» به فیلم کوتاه «ابرها» دو هزار متر بالاتر هستند» به کارگردانی «سینگ چن» محصول مشترک کشورهای چین تایپه و آلمان تعلق گرفت.

## جایزه ویژه هیأت داوران

جایزه ویژه هیأت داوران این بخش از جشنواره به فیلم «کمتر از ۵ گرم زعفران» ۵ به کارگردانی «نگار متولی میدان شاه» محصول کشور فرانسه اهدا شد.

## جایزه دستاورد هنری

جایزه دستاورد «همه جانبه» نیز به فیلم کوتاه «خداحافظی طولانی» به کارگردانی «کیت ووت» و «ویکتور مائس» محصول مشترک کشورهای بلژیک، لوکزامبورگ و هلند رسید.

هشتاد و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» به ریاست «آلبرتو باربرا» و با نمایش آثاری از کارگردانان کشورهای مختلف جهان در بخش‌های رقابتی، از جمله؛ بخش «مسابقه اصلی»، بخش «مسابقه افق‌ها»، بخش مسابقه «همه جانبه»، بخش مسابقه «هفته منتقدان» و بخش غیررقابتی، از جمله؛ بخش «کران ویژه»، بخش «افق‌ها اکسترا»، بخش آثار مرمت‌شده «فیلم‌های کلاسیک»، بخش «کالج سینما»، بخش «بهترین تجربیات»، بخش «بهترین‌های جهان»، بخش «مستر کلاس‌ها» و گفت‌وگو با شخصیت‌های سینمایی» و ... از روزهای ۵ تا ۱۶ شهریور ماه ۱۴۰۴ (۲۷ آگوست تا ۷ سپتامبر ۲۰۲۵) در شهر ونیز در کشور ایتالیا برگزار شد.



کارگردانی «ایلدیکو انیدی» محصول مشترک کشورهای آلمان، مجارستان و فرانسه تعلق گرفت.

## برندگان بخش «مسابقه افق‌ها»

اعضای هیأت داوران بخش «مسابقه افق‌ها» در این رویداد معتبر و درجه یک سینمای جهان که عبارت بودند از: «جولیا دوکورو» کارگردان و فیلمنامه‌نویس فرانسوی - رئیس هیأت داوران، «یوری آنکارانی» کارگردان و ویدئوآرטיست از کشور ایتالیا، «فرناندو انریکه خوان لیما» منتقد فیلم از کشور آرژانتین، خانم «شانون مورفی» کارگردان از کشور استرالیا و همچنین «رامل راس» عکاس و فیلمساز از کشور آمریکا؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند:

## جایزه بهترین فیلم

جایزه بهترین فیلم بخش «مسابقه افق‌ها» به فیلم سینمایی «در جاده» به کارگردانی «دیوید پابلوس» محصول کشور مکزیک تعلق گرفت.

## جایزه بهترین کارگردانی

جایزه بهترین کارگردان این بخش نیز به «آنوپارنا روی» برای کارگردانی فیلم سینمایی «آوازهای درختان فراموش‌شده» محصول کشور هند اهدا شد.

## جایزه ویژه هیأت داوران

جایزه ویژه هیأت داوران بخش «مسابقه افق‌ها» به فیلم سینمایی «سرزمین گمشده» به کارگردانی «اکیو فوجیموتو» محصول مشترک کشورهای ژاپن، فرانسه، مالزی و آلمان تعلق گرفت.

## جایزه بهترین بازیگر زن

جایزه بهترین بازیگر زن این بخش از جشنواره نیز به «بندتا پورکارولی» برای بازی در فیلم سینمایی «بوده شدن آرابلا» به کارگردانی «کارولینا کوالی» محصول کشور ایتالیا اهدا شد.

## جایزه بهترین بازیگر مرد

جایزه بهترین بازیگر مرد این دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» به «جاکومو کووی» برای بازی در فیلم سینمایی «یک سال مدرسه» به کارگردانی «لورا سامانی» محصول مشترک کشورهای ایتالیا و فرانسه رسید.

## جایزه بهترین فیلمنامه

جایزه بهترین فیلمنامه این رویداد سینمایی به «آنا کریستینا باراگان» برای نوشتن فیلمنامه «پیچک» محصول کشور اکوادور تعلق گرفت.

## جایزه بهترین فیلم کوتاه

جایزه بهترین فیلم کوتاه به فیلم «بدون کلی» به کارگردانی «لوویسا سیرن» محصول کشور سوئد اهدا شد.

## جایزه «لوئیجی دی لورنتیس» ونیز

**منصور جهانی** | برندگان بخش‌های مختلف رقابتی هشتاد و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» معرفی شدند و فیلم سینمایی «پدر، مادر، خواهر، برادر» به کارگردانی «جیم جارموش» جایزه معتبر «شیر طلایی» را از آن خود کرد.

مراسم اختتامیه هشتاد و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» در ساعت ۱۹ روز شنبه ۱۵ شهریور ماه جاری (۶ سپتامبر ۲۰۲۵) در سالن سینمایی «سالار گراندا» در شهر ونیز در کشور ایتالیا برگزار شد و برندگان بخش‌های مختلف رقابتی از جمله؛ بخش «مسابقه اصلی»، بخش «مسابقه افق‌ها»، بخش مسابقه «همه جانبه» و همچنین بخش «افق‌ها اکسترا» معرفی شدند و جایزه معتبر «شیر طلایی» بهترین فیلم و سایر جوایز این رویداد سینمایی به برندگان اهدا شد.

## برندگان بخش «مسابقه بین‌الملل»

اعضای هیأت داوران بخش «مسابقه بین‌الملل» در هشتاد و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «ونیز» که عبارت بودند از: «الکساندر پین» کارگردان و فیلمنامه‌نویس آمریکایی - رئیس هیأت داوران، «استفان بریزه» کارگردان و فیلمنامه‌نویس از کشور فرانسه، خانم «مائورا دلپرو» کارگردان و فیلمنامه‌نویس از کشور ایتالیا، «کریستین مونجیو» کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده از کشور «رومانی»، «محمد رسول‌اف» کارگردان و فیلمنامه‌نویس از کشور ایران، خانم «فرناندا تورس» بازیگر، نویسنده و فیلمنامه‌نویس از کشور برزیل و همچنین خانم «ژائو تائو» بازیگر از کشور چین؛ آرای خود را بدین شرح اعلام کردند:

## جایزه «شیر طلایی»

فیلم سینمایی «پدر، مادر، خواهر، برادر» به کارگردانی «جیم جارموش» محصول مشترک کشورهای آمریکا، ایرلند و فرانسه، جایزه معتبر «شیر طلایی» بهترین فیلم این رویداد سینمایی را از آن خود کرد.

## جایزه بزرگ شیر نقره‌ای هیأت داوران

جایزه بزرگ شیر نقره‌ای هیأت داوران این دوره از جشنواره به فیلم مستند «صدای هند رجب» به کارگردانی «کوثر بن هانیه» محصول مشترک کشورهای تونس و فرانسه اهدا شد.

## جایزه شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی

جایزه شیر نقره‌ای بهترین کارگردانی نیز به «بنی صفدی» برای کارگردانی فیلم سینمایی «ماشین خردکننده» محصول کشور آمریکا تعلق گرفت.

## جایزه بهترین بازیگر زن

جایزه «کاپ ولی» بهترین بازیگر زن به «شین ژیلی» برای بازی در فیلم سینمایی «خورشید بر همه ما طلوع می‌کند» به کارگردانی «کای شانگجون» محصول کشور چین اهدا شد.

## جایزه بهترین بازیگر مرد

جایزه «کاپ ولی» بهترین بازیگر مرد، به «تونی سرویلو» برای بازی در فیلم سینمایی «رحمت» به کارگردانی «پائولو سورنتینو» محصول کشور ایتالیا تعلق گرفت.

## جایزه بهترین فیلمنامه

«والری دونزلی» و «ژیل مارشان» برای نوشتن فیلمنامه «در محل کار» به کارگردانی «والری دونزلی» محصول کشور فرانسه، جایزه بهترین فیلمنامه را گرفتند.

## جایزه ویژه هیأت داوران

جایزه ویژه هیأت داوران نیز به فیلم سینمایی «زیر ابرها» به کارگردانی «جانفرانکو رزی» محصول کشور ایتالیا اهدا شد.

## جایزه «مارچلو ماسترویانی»

جایزه «مارچلو ماسترویانی» برای بهترین بازیگر جوان جدید به «لونا وولر» برای بازی در فیلم سینمایی «دوست خاموش» به

# چه خوب شد که دریاچه ارومیه خشک شد

## جامعه نیازمند طیب حیب

استاد حبیب الله مستوفی از چهره های پژوهشگر و صاحب نظر حوزه تاریخ، فرهنگ و فولکلور در منطقه هورامان در تازه ترین مطلب به مناسبت ۱ شهریور روز بزرگداشت ابوعلی سینا و روز پزشک مطلبی به نگارش درآورده است که در ادامه می خوانید:

نامیدن نخستین روز ماه پایانی تابستان به یاد تولد اعجوبه همه چیزدان، بزرگمرد دانا، پور سینا به نام «پزشک» از لحاظ شکل و صورت بسیار شایسته و بایسته و از جهت محتوا بسی عمیق، پرمعنا و مسئولیت‌زا است.

شیخ الرئیس ابوعلی سینا به شهادت تاریخ مکتوب، پزشک، فیلسوف، ریاضی‌دان، اخترشناس، شیمی‌دان، زمین‌شناس، جغرافی‌دان و شاعر بود.

فقط ۵۷ سال فرصت زندگی یافت اما در این توقف کوتاه، ۴۵۰ کتاب تألیف کرد و به زمان و زمانه‌های پس از خویش تقدیم کرد تا جائیکه امروز بر روی زمین علاوه بر ایران در آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلستان، استانبول و مجارستان، بنیادها، مراکز آموزشی، مراکز جراحی و بیمارستانهای متعددی با نام او فعال هستند و در فضا و ورای زمین هم در قسمت پنجهان ماه دهانه‌ای را به نامش «دهانه ابن سینا» نامیده‌اند. یونسکو نیز جایزه دوسالانه‌ای را به نام «جایزه ابن سینا» در فلسفه اخلاق و علم بنیاد نهاده است.

نکته جالب این است که این شخصیت همه چیزدان خود در کمال فروتنی می‌گوید:

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

با پیشرفت علم و جدا و تخصصی شدن شاخه‌های مختلف آن اولین پرسشی که برای ما و نسل جدید پیش می‌آید این است که چگونه یک نفر می‌تواند جامع‌الاطراف از طب تا فلسفه را بیاموزد و پوشش دهد که مبحث قابل توجهی است، گرچه موضوع

این نوشته نیست، بدیهی است در شرایط امروز هیچ‌کس از یک پزشک محترم و مشغول شغل پر زحمت طبابت انتظار پرداختن به فلسفه، ریاضی و ... را ندارد اما چنانکه این دیدبانان سلامت جامعه خود نیک می‌دانند، آنها به تناسب حرفه خویش همیشه محل مراجعه جسم‌های رنجیده و روان‌های پریشیده‌اند.

براساس رسم روان هر زمان و مکان، مشتریان شما عزیزان زحمت‌کش، همیشه دست‌های لرزان، پاهای بی‌رُمق، چشم‌های نگران، رنگ‌های پریده و روحیه‌های مأیوس هستند.

همه ما و خود شما بزرگواران نیز «مریض» شدن را تجربه کرده‌ایم و با انتظار بیمار از پزشک بیگانه نیستید، بر این باورم که مریض هنگام مراجعه به پزشک درگیر و تحت تأثیر دو حیطه است، نخست حیطه شخصی پزشک است که به اندوخته‌های علمی و بروز بودن پزشک مربوط می‌شود و تعاملی در آن وجود ندارد اما حیطه دوم که تعاملی و دوطرفه است مربوط به نحوه برخورد و بیان طیب است که گاهی می‌تواند حیطه اول را هم تحت تأثیر قرار دهد.

ضمن تبریک روز پزشک به همه پزشکان عزیز که به عنوان یک معلم به برجستگی‌های علمی و اخلاقی اکثریت آنها در دوران تحصیل قبل از دانشگاه گواهی می‌دهم همه آنها را به همراه کردن حبیبی و طیبی فرا می‌خوانم چرا که در این زمان و زمانه، به‌ویژه با فضای پر استرس ملموس نیاز ما دوست‌بودن پزشکان عزیز با بیماران رنج‌دیده است.



ابزاری برای حفظ قدرت، مسئولیت‌پذیری جمعی را از بین برده است.

در بسیاری از شهرهای ایران، مرگ دریاچه ارومیه به‌عنوان یک مسئله «منطقه‌ای» یا «ثانویه» در نظر گرفته شده است، درحالی‌که خشک‌شدن آن، یک زنگ خطر برای همه حوضه‌های آبی کشور است. این بی‌تفاوتی عمومی، فضایی را فراهم کرده که در آن نهادهای قدرت می‌توانند بدون پاسخ‌گویی، از بحران‌های زیست‌محیطی سوءاستفاده کنند. ریشه این فاجعه، فراتر از کمبود بارش یا تغییرات آب‌وهوایی است، بلکه ریشه آن را باید در فساد گسترده جست. بودجه‌های اختصاص‌یافته به احیای دریاچه، در قالب قراردادهای غیرشفاف، پیمانکاری‌های ناکارآمد و مدیریت‌های ناپایدار هدر رفته‌اند.

نهادهای نظارتی، به جای حسابرسی، خود درگیر شبکه‌های منفعت‌طلبانه شده‌اند. این فساد، نه تنها منابع مالی را تلف کرده، بلکه اعتماد عمومی به هرگونه تلاش برای احیا را نیز از بین برده است. راه نجات، در بازتعریف کامل مدیریت منابع طبیعی است. احیای دریاچه ارومیه (در صورت امکان) یا جلوگیری از تکرار چنین فاجعه‌ای در دیگر مناطق، مستلزم حذف سیاست‌زدگی، شفاف‌سازی مالی، حذف مدیران ناکارآمد و تقویت نقش جامعه مدنی است. مدیریت احیا باید به دست گروهی از کارشناسان مستقل، با حضور ناظران بین‌المللی و تحت نظارت رسانه‌ها و شهروندان قرار گیرد. بودجه‌ها باید عمومی شوند و پروژه‌ها براساس معیارهای علمی و اکولوژیک اولویت‌بندی شوند. در این شرایط، آرزوی «مرگ دریاچه» نه یک تحقیر در برابر طبیعت، بلکه فریاد نهایی دلسوزان است. این آرزو، از کسانی سر می‌زند که دهه‌ها هشدار داده‌اند، اما پیشنهاد داده‌اند و اعتراض کرده‌اند، اما در برابر دیواری از بی‌اعتنایی، فساد و سیاست‌زدگی شکست خورده‌اند. این آرزو، یک نقد سیاسی تلخ است. پس، چه خوب شد که دریاچه ارومیه خشک شد. حالا دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند.

درست از زمان تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه در دولت احمدی‌نژاد و اختصاص بودجه‌های هنگفت، نه یک برنامه عملیاتی جامع، بلکه یک نمایش سیاسی آغاز شد. این ستاد، به جای تبدیل‌شدن به مرکزی برای هماهنگی علمی، فنی و نهادی، به ابزاری برای تولید سرمایه سیاسی تبدیل شد. بودجه‌های میلیاردی، نه به پروژه‌های اصلاح حوضه آبریز، مدیریت مصرف آب کشاورزی یا بازسازی اکوسیستم، بلکه به تبلیغات دولتی، جشنواره‌های مصنوعی و سفرهای نمایشی مسئولان اختصاص یافت. هر استاندار، نماینده یا وزیری که به ارومیه سفر کرد، نه برای ارزیابی وضعیت، بلکه برای عکس یادگاری کنار تپه‌های نمک و دادن وعده‌های بی‌پایان آمد. این نه یک تلاش برای نجات یک زیست‌بوم، بلکه بازسازی تصویر نهادهای مسئول بود.

سال‌هاست که فعالان محیط زیست، دانشمندان و جوامع محلی هشدار می‌دهند. گزارش‌ها نوشته شده، کنفرانس‌ها برگزار شده، پروژه‌های ملی تعریف شده، اما هیچ‌کدام از این اقدامات نتوانسته‌اند در برابر ساختارهای تصمیم‌گیری متمرکز، غیرشفاف و مبتنی بر منافع حوزه‌های قدرت مقاومت کنند. سدسازی‌های غیراصولی، دخالت در حوضه‌های آبریز، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تخصیص ناعادلانه منابع آب، همگی تحت نظارت نهادهای دولتی انجام شده‌اند، بدون حسابرسی واقعی و بدون پاسخ‌گویی به مردم. اما مقصران این فاجعه تنها مدیران فاسد و نهادهای دولتی نیستند.

سیاست‌زدگی بحران نیز نقشی تعیین‌کننده داشته است. دریاچه ارومیه در یک دهه اخیر، به یک موضوع انتخاباتی تبدیل شده است؛ یک جناح آن را بهانه‌ای برای انتقاد از دولت فعلی می‌کند، جناح دیگر آن را به‌عنوان دستاورد خود ارائه می‌دهد، اما هیچ‌کدام به دنبال ارائه یک سند سیاست‌گذاری مشترک، شفاف و بلندمدت نبوده‌اند. این رقابت‌های سیاسی، نه تنها راه‌حلی ارائه نکرده، بلکه با تبدیل یک فاجعه زیست‌محیطی به

جعفر احمدی با بیان اینکه «چه خوب شد که دریاچه ارومیه خشک شد» می‌نویسد؛ اظهار چنین عبارتی، نه به معنای استقبال از نابودی طبیعت، بلکه به‌عنوان یک تشخیص سیاسی تلخ بیان می‌شود. چه خوب که این فاجعه دیگر انکارشدنی نیست. چه خوب که دیگر نمی‌توان آن را با آمارهای تحریف‌شده، طرح‌های نیمه‌کاره یا جشن‌های تبلیغاتی پوشاند.

مکریان به نقل از شرق؛ دریاچه ارومیه، که زمانی نمادی از تنوع زیستی و اکوسیستم منحصربه‌فرد در فلات ایران و دومین دریاچه شور بزرگ جهان بود، امروز به یک صحرای نمک تبدیل شده است. این تحول، نه یک فاجعه طبیعی ناگهانی، بلکه نتیجه‌ای منطقی و پیش‌بینی‌پذیر از دهه‌ها سیاست‌گذاری نادرست، تخریب سیستم‌های محلی مدیریت آب و اولویت‌دهی به منافع بخشی به جای منافع عمومی است.

در این شرایط، باید گفت: «چه خوب شد که دریاچه ارومیه خشک شد». اظهار چنین عبارتی، نه به معنای استقبال از نابودی طبیعت، بلکه به‌عنوان یک تشخیص سیاسی تلخ بیان می‌شود. چه خوب که این فاجعه دیگر انکارشدنی نیست. چه خوب که دیگر نمی‌توان آن را با آمارهای تحریف‌شده، طرح‌های نیمه‌کاره یا جشن‌های تبلیغاتی پوشاند. خشک‌شدن کامل دریاچه، یک واقعیت عینی است که هرگونه بهانه‌گیری را بی‌معنی می‌کند، چراکه تا زمانی که یک بحران به حدی بزرگ شود که دیگر قابل پنهان‌کاری نیست، سیستم‌های قدرت تمایلی به تغییر ندارند. دریاچه ارومیه، اکنون یک نماد است؛ نمادی از شکست مدیریت زیست‌محیطی، فساد نهادی و تبدیل طبیعت به یک کالای سیاسی. اگر این تراژدی به‌عنوان یک درس سیستمیک در نظر گرفته نشود، قربانی بعدی می‌تواند زاینده‌رود، هامون یا دشت‌های مرکزی باشد. مرگ دریاچه، تنها زمانی معنا می‌یابد که به تغییر ساختاری در حکمرانی محیط‌زیستی منجر شود. در غیراین‌صورت، این فقط یک قبر نمکی خواهد بود از دریاچه‌ای که زمانی بوده، و از مدیریتی که نتوانست آن را نجات دهد.

بنابراین دیگر نمی‌توان از کمبود بارش به‌عنوان بهانه اصلی یاد کرد. دیگر نمی‌توان طرح‌های «نیمه‌فعال» را به‌عنوان راه‌حل ارائه داد. خشک‌شدن دریاچه ارومیه، نشانه‌ای از سیستم فعلی است که نه تنها ناتوان، بلکه ضد کارآمد است. سیستمی که به جای تقویت نهادهای محلی، آنها را ضعیف کرده؛ به جای شفافیت، از ابهام تغذیه کرده و به جای مشارکت شهروندی، از انفعال مردم سود برده است. پس از این نقطه نظر، این نه یک فاجعه طبیعی، بلکه شکستی بنیادین در مدیریت زیست‌محیطی است.



سیاست

## به سوء استفاده از کودکان در تشریفات سیاسی پایان دهیم

**شفیع بهرامیان** | کودک سرشار از عاطفه، ملاطفت و دوستی است، لوح وجودش پاک و بی‌آلایش است. نه چپ می‌شناسد نه راست، نه اصلاح‌طلب می‌جوید نه اصولگرا می‌پوید. او در دنیای زیبایی کودکانه خویش فارغ از های‌وهوی دنیا، دارد سیر می‌کند، رشد می‌نماید و بعدها رفته‌رفته با بدی‌ها و نقش بازی کردن‌های جهان آشنا می‌شود؛ جایی که دیگر او کودک نیست.

روان کودکان، پاک و بی‌آلایش است و در آن، رنگ، لعاب و نقش جایی ندارد، روح کودک صاف مثل آینه است. امروزه سوءاستفاده از کودکان یکی از ناپسندترین کارها و موردانتقاد و سرزنش همه وجدان‌های بیدار و انسان‌های متعهد در سراسر جهان است.

«سوءاستفاده» یعنی هر کاری یا چیزی که در آن کودک مجبور یا متقاعد به فعالیت‌هایی شود که خود خواهان آن نیست و مستلزم فشار روانی، ترس، استرس و یا هر چیزی خارج از توان واقعی وی باشد. بر این اساس، سوءاستفاده از کودکان در فعالیت‌های سیاسی، نظامی و امثالهم مصداق بارز نقض حقوق اولیه آنهاست یکی از جاهایی که متأسفانه در دهه‌های اخیر از کودکان سوءاستفاده شده و به‌نوعی سبب ایجاد وضعیتی سرشار از ترس و استرس و فشار برای آنان می‌شود مراسم استقبال از شخصیت‌های سیاسی در بدو ورود به کشور و یا شهرهاست.

اینکه باید مراسم استقبالی درخور و شایسته برای مهمانان بالاخص مهمانان رسمی، صورت پذیرد امری درست و مطابق با پروتکل‌ها و استانداردهای جهانی است اما اجبار کودکان و پوشاندن لباس محلی و ... و تحمیل متون و اشعار خاص برای دکلمه توسط کودکان به هنگام حضور مهمان، آیا مطابق با اصول و استانداردهای جهانی تشریفات و همچنین مبانی اخلاقی و مفاد حقوق کودکان و اصول شهروندی است؟

مشخص است که نه! این کار مصداق بارز تعرض به حریم خصوصی و حقوق کودکان است. لطفاً به این رسم بد پایان دهید! بگذارید کودکان در دوره کودکی واقعا کودکی کنند، آنها بازیچه و کالایی برای پربار شدن مراسم و تشریفات ما بزرگ‌ترها و سیاستمداران و تاجران نیستند! آنها فقط کودکانند.

ناگفته پیداست که حضور هر بار یک کودک در چنین مراسم زنده‌ای و در میان خیل جمعیت و چشم‌ها و لنز دوربین‌هایی که به وی خیره شده است، چه میزان فشار روحی و روانی به وی تحمیل می‌نماید و این امر چقدر با کنوانسیون‌ها و اصول و مبانی اخلاقی حوزه تشریفات مغایرت و منافات داشته و تحدی و تعرض آشکار به حقوق کودکان است.

سوءاستفاده از کودکان در مراسمات و تشریفات مصداق بارز سوءاستفاده از آنهاست، متأسفانه این امر بیشتر در کشورهای خاورمیانه و جهان سوم مرسوم بوده و باید برای توقفش اراده‌ای جدی وجود داشته باشد. این اراده می‌تواند از یک بخش یا شهرستان کوچک، یا حتی در مسئولان یک استان به وجود آید، هرکسی قدمی برای کاهش این شیوه نامناسب بردارد قطعاً گامی مهم برای صیانت از حقوق کودکان از جمله فرزندان امروز و فردای خود برداشته است.

## کارشناس مسائل کردها:

# معادله دمشق، کردها و آنکارا همچنان شکننده و چندلایه است



گذشته گروه‌های مسلح کردی همسو با ارتش آزاد علیه YPG و SDF در عفرین جنگیدند، اما بعدها به حاشیه رانده شدند یا رهبران‌شان بازداشت شد.

او در پاسخ به این سوال که انحلال پک‌ک در ترکیه با هدف حفظ پروژۀ SDF در سوریه صورت گرفته است، گفت: مطمئن نیستیم. پک‌ک پیش‌تر نیز مذاکرات صلح با دولت ترکیه را تجربه کرده است. اما این تحول می‌تواند به SDF کمک کند تا راحت‌تر با ترکیه و دولت جدید دمشق تعامل کند.

ویلگنبرگ درباره علت مخالفت ترکیه با اختصاص وضعیت ویژه برای کوردها در سوریه به این نشریه گفت: ترکیه همواره طرفدار دولت متمرکز در سوریه بوده و خواستار انحلال SDF است. حتی اگر همین تمرکزگرایی یکی از دلایل آغاز انقلاب سوریه بوده باشد. اگر گفت‌وگوهای SDF با دمشق شکست بخورد، ممکن است آن‌ها به‌طور مستقیم با ترکیه وارد مذاکره شوند.

ویلگنبرگ در این سوال که آیا حمایت ترکیه از حمله احتمالی به SDF می‌تواند روند صلح را به خطر اندازد، افزود: فکر نمی‌کنم ترکیه مستقیماً با ارتش و پهپاد وارد عمل شود. اما احتمالاً در صورت حمله دمشق به SDF، حمایت اطلاعاتی ارائه خواهد داد. نمونه‌های گذشته در منبج و تل‌رفعت نشان می‌دهد سطح حمایت آنکارا کمتر از عملیات‌های عفرین (۲۰۱۸) و سریکانی و تل‌ابض (۲۰۱۹) بوده است. با این حال، خطر درگیری در ارتش جدید سوریه - که هم شامل گروه‌های تحت حمایت ترکیه و هم SDF می‌شود - همچنان وجود دارد.

بی میلی کردها به اجرای این توافق گفت: رویکرد SDF تغییر نکرده است. اما حوادث سواحل با علوی‌ها و تلاش دمشق برای یکپارچه‌سازی اجباری سویدا با زور نظامی، بی‌اعتمادی بیشتری میان SDF و دولت مرکزی ایجاد کرده است. دمشق از بسیج قبایل علیه دروزی‌ها استفاده کرد و احتمال دارد همین روش را علیه SDF نیز به‌کار گیرد.

ولادیمیر وان ویلگنبرگ درباره چرایی برگزاری کنفرانس حسکه گفت: این اقدام برای افزایش فشار بر دمشق به‌منظور پذیرش تمرکززدایی و همچنین ایجاد اتحاد با گروه‌های دیگر در سوریه بود. لغو نشست پاریس بیشتر به مخالفت ترکیه با برگزاری آن در فرانسه بازمی‌گردد تا این کنفرانس.

او درباره احتمال نیروهای دولتی در مناطق تحت کنترل کردهای سوریه به علت رویگردانی نیروهای عرب از کردها گفت: بله، چنین احتمالی وجود دارد. در نبرد منبج، بخشی از شورای نظامی منبج از SDF جدا شد و به نیروهای تحت حمایت ترکیه پیوست. بنابراین امکان تغییر جبهه نیروهای عرب در SDF وجود دارد. اکنون که رژیم اسد سقوط کرده و گروه‌های وابسته اخراج شده‌اند، برخی قبایل ممکن است به دمشق نزدیک‌تر شوند.

این کارشناس هلندی درباره احتمال حضور برخی چهره‌های کرد در دولت الشرع گفت: واقعیت این است که کردهای مناطق عرب‌نشین در کنفرانس نقش زیادی نداشتند، زیرا بیشتر در جامعه اکثریت عرب ادغام شده‌اند. دمشق البته از حضور تکنوکرات‌های کرد در دولت جدید به‌عنوان نمایندگی کردها یاد می‌کند، اما آن‌ها پایگاه قبیله‌ای یا نظامی قوی ندارند. در

یک کارشناس مسائل کردها معتقد است توافق ۱۰ مارس میان نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) و دولت موقت دمشق غیرالزام‌آور است و اختلاف اصلی بر سر تمرکز یا تمرکززدایی دولت سوریه همچنان باقی مانده است. او هشدار داد که بی‌اعتمادی ناشی از حوادث اخیر سواحل و تلاش دمشق برای یکپارچه‌سازی سویدا، خطر تغییر جبهه برخی نیروهای عرب در SDF و پیچیده‌تر شدن روابط میان دمشق، کردها و ترکیه را افزایش داده است.

ولادیمیر فان ویلگنبرگ در مصاحبه با نشریه آنتولد سیریا درباره وضعیت کردها و توافقات آنها با دولت سوریه گفت: گفت که نیروهای دموکراتیک سوریه همیشه به دنبال توافق با دمشق بوده‌اند، حتی در دوران حکومت پیشین. وی تأکید کرد که توافق، غیرالزام‌آور است و شامل آتش‌بس و بازگشت آوارگان می‌شود، اما موضوع اصلی - تمرکز یا تمرکززدایی دولت سوریه - همچنان مبهم است و اختلافات باقی مانده‌اند. توافق همچنین ادغام نهادهای نظامی و مدنی در شمال شرق سوریه را مطرح می‌کند، اما جزئیات اجرایی آن روشن نیست.

او درباره ماهیت این توافق افزود: این توافق غیرالزام‌آور است و برخی بندهای مشخص دارد: آتش‌بس و بازگشت آوارگان. اما درباره مسئله اصلی - یعنی اینکه سوریه دولتی متمرکز باشد یا غیرمتمرکز - سکوت کرده است. به همین دلیل اختلافات بزرگی باقی مانده. توافق همچنین ادغام نهادهای نظامی و مدنی در شمال شرق سوریه را مطرح می‌کند، بی‌آنکه چگونگی اجرای آن را توضیح دهد.

این کارشناس مسائل کردها درباره احتمالی